

حجاب و عفاف

انسان ها، زیباپسند هستند. گرایش به انواع زیبایی ها مانند زیبا پوشیدن، زیبا سخن گفتن و خود را آراستن، از فطرت انسان ها سرچشمه می گیرد. در این میان، آنچه اهمیت بیشتری دارد، نگه داشتن حریم ها و خارج نشدن از اعتدال در این زیباپسندی است.

حجاب و عفاف، به عنوان دو ارزش برجسته، در جوامع انسانی مطرح است که به دلیل همراهی این دو کلمه با یکدیگر، گاه آنها را هم معنا می دانند، ولی با جست و جو در فرهنگ های گوناگون لغت، این حقیقت آشکار می شود که حجاب و عفاف، دو معنای مجزا و متفاوت از هم دارد.

فرهنگ لغت عمید، آنچه را حائل و مانع میان طالب و مطلوب باشد و آنچه را مانع تجلی حقایق گردد، «حجاب» معنا می کند 1. در برخی دیگر از لغت نامه ها، «حجاب» را به معنای پنهان کردن و مانع از دخول می دانند. دائرةالمعارف لغات فارسی در تعریف از واژه «عفاف» می نویسد: «خودداری از کار زشت و ناروا، پاک دامنی، پرهیزکاری 2». راغب اصفهانی نیز در مفردات القرآن می نویسد: «عفت، حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود.»

از معانی بیان شده درمی یابیم که «حجاب»، امری ظاهری و با جسم در ارتباط است. اگرچه این پوشش، از عقاید و باورهای درونی افراد سرچشمه می گیرد، ولی ظهور آن به صورت مادی و طبیعی است. در مقابل، «عفاف»، امری درونی است که انسان را از گناه باز می دارد.

از مجموع معانی بیان شده برای عفاف و حجاب، نتیجه می گیریم حفظ چشم، گوش، قلب و همه اعضا و جوارح از هر گونه خطا و گناه، عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است. به تعبیری لطیف تر، «حجاب، میوه عفاف است و عفاف، ریشه حجاب.»

گاه دیده می شود افراد حجاب و پوشش ظاهری دارند، ولی از عفاف بی بهره اند و آن طهارت باطنی را در خود ایجاد نکرده اند. برای این گروه، حجاب، پوسته ای است ظاهری و بی معنا. از دیگر سو، برخی افراد ادعا می کنند درونی پاک دارند و خداوند نیز به قلب ها می نگرد. در

پاسخ به این نگرش باید گفت درون پاک، بیرون پاک را می‌پروراند. بنابراین، دو واژه عفاف و حجاب، اگرچه در معنا، متفاوتند، ولی در اصل، هم سو و لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

نگاهی تاریخی به وجود عفاف و حجاب

در ادیان الهی، سفارش‌های فراوانی به حفظ حجاب و عفاف شده است و در بیشتر این سفارش‌ها، دختران و زنان مخاطب بوده‌اند و آنها را به عقیف بودن دعوت کرده‌اند و با تأکید از آنها خواسته شده، خود را با لباس‌های پوشیده‌مزین سازند.

در رساله «پولس» در عهد جدید می‌خوانیم: «زنان، خویشان را به لباس‌مزین به حیا و پرهیزکاری بیارایند، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت‌گران بها¹».

دکتر مناخم برابیر، استاد ادبیات در دانشگاه یشیوه² در اثری به نام زنان یهودی آورده است: «زنان یهودی را رسم بر آن بوده که بدون روسری از خانه بیرون نروند، آنها گاهی اوقات جز یک چشم، تمام صورت خود را می‌پوشاندند.»

از برخی مجسمه‌ها و کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های تاریخی می‌توان نتیجه گرفت که سرما و گرما، دلیل اصلی لباس پوشیدن نبوده، بلکه دلیل آن، حیا و پوشانیدن بدن بوده است³.

فرید وجدی در این باره می‌نویسد: «حجاب زنان، قدمتی طولانی دارد.» وی به نقل از دائرة المعارف لاروس می‌نویسد: «زنان یونانی، در دوره‌های گذشته صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. سخن در مورد «حجاب»، در لابه‌لای کلمات قدیمی تر مؤلفین یونانی به چشم می‌خورد، حتی در برخی منابع ذکر شده، «بنیلوب»، همه پادشاه «عولیس» نیز با حجاب بوده. همچنین زنان شهر «تیب» دارای حجاب خاص بوده‌اند تا جایی که حتی صورت خود را با پارچه می‌پوشاندند. «حجاب» در زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر نیز وجود داشته و زنان رومانی هم از حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند⁴».

بررسی این موارد نشان می‌دهد که حیا و عفت، صفتی انسانی است و آدمیان به حکم نهاد و آفرینش خویش به آن تمایل دارند و ادیان آسمانی و انسان‌های بزرگ نیز به این موضوع توجه‌ای ویژه داشته‌اند.

ضرورت رعایت حجاب و عفاف برای دختران

وقتی از عفت و سلامت روانی در جامعه، سخن به میان می آید، نمی توان در میزان وظیفه زن و مرد تفاوتی قائل شد. حتی در دین مبین اسلام، آیات و روایات فراوانی در سفارش به مردان برای حفظ و رعایت عفاف وجود دارد و آنان نیز به رعایت برخی حریم ها و حجاب ها ملزم هستند.

عفت، امری درونی است و زنان به زیبا بودن و زیبا ماندن - در همه زمینه ها - به صورت غریزی - تمایل بیشتری دارند. از این رو، وظیفه آنها نیز در قبال امر عفت و عفیف بودن، به مراتب سنگین تر و حیاتی تر از مردان است.

حجاب، ارزشی است که رعایت آن به دختران، پاکی و امنیت می بخشد و آنها را چون گوهری در میان صدف، از آسیب ها، وسوسه ها و آلودگی ها مصون نگه می دارد و به خدا نزدیک تر می کند. دختران و زنان بی حجاب، بی شک، در فلسفه حجاب نمی اندیشند و تعقل نمی کنند و این گونه، آلت دست وسوسه های نفسانی خود قرار می گیرند.

خودنمایی و خودآرایی در صحنه اجتماع، به شخصیت عفیف زن آسیب می رساند و با وقار بودن دختر و رعایت کردن حریم ها میان محرم و نامحرم به او اصالت می بخشد و او را در دید همه ارزشمند و محترم می سازد. حجاب در حقیقت، مصونیتی است برای دختر که او را از فرو ریختن شخصیت نجات می دهد و از دیگر سو پسران جوان را از خطر انحراف باز می دارد. در جوامعی که بی حجابی را ترویج می کنند، دختران، بازیچه دست قدرت های استعمارگران می شوند و استواری شخصیت، تقدیس و عفتی را که شایسته دختری پاک دامن و عفیف است، از دست می دهند¹.

مراعات حجاب در میان دختران، موجب سلامت جسم و روح و موفقیت آنان در زندگی آینده می شود. دختران جوان با رعایت حجاب، خود را به خدا نزدیک می کنند و با کمک آن، امنیت و آرامش می یابند و از گزند افراد لابلالی و منحرف و نگاه های آلوده و ناپاکشان مصون می مانند.

از دیگر سو دختری که حریم حجاب را رعایت کند و خود را از دسترس نامحرمان دور نگه دارد، چون گوهری باارزش در درون پوشش، ارزش و احترام خود را نزد همگان افزایش می دهد و از ابتذال در امان می ماند. دختران با حجاب، مانند غنچه ای هستند که هیچ کس دست طمع به سوی آنها دراز نمی کند. حجاب، چون سیم خاردار است برای حفظ حریم دختران و چون دیوار بلندی است برای حفظ عفت و پاک دامنی و آسایش دختران. حجاب، برای دختران راحتی و آسایش، ارزش و زیبایی، امنیت و مقام و منزلت در پی دارد و اگر حجاب برداشته شود، محیط برای حضور دختران در جامعه، ناامن می شود، همان گونه که وقتی دیوار خانه ای کوتاه باشد یا خانه ای دیوار نداشته باشد یا در خانه ای باز باشد، آن خانه ناامن است.²

وراثت و محیط، از جمله مواردی هستند که در رفتار فرد تأثیر مستقیم دارند. محیط تربیتی فرد؛ یعنی محیطی که در آن متولد و تربیت می شود، در سعادت وی بسیار مؤثر است. بسیاری از مشکلات اجتماعی و آلودگی های اخلاقی و بی عفتی ها از محیط های خانوادگی سرچشمه می گیرد و نتیجه تربیت نادرست یا نظارت نداشتن والدین بر تربیت فرزندان است. تربیت دخترانی عفیف، سطح آرامش و سلامت روانی را در جامعه افزایش می دهد و مهم تر از آن، مادران آینده و نسل آینده، به سطح ایدئالی از امنیت و آرامش روانی و اجتماعی نزدیک می شوند.

تجربه نشان داده است هرگاه زنان جامعه ای مقام والا و رسالت اصلی خود را بشناسند و در رشد شخصیت خود اهتمام ورزند، افزون بر حفظ منزلت و محبوبیت خود، جامعه را از بسیاری ناهنجاری ها دور نگه می دارند. اگر به زن به عنوان انسانی فعال در فرآیند توسعه بنگریم یا به ویژگی های منحصر به فردش به عنوان مادر، خواهر، دختر و همسر توجه کنیم، هیچ تفاوتی در میزان وظیفه اش نسبت به حفظ حجاب و عفاف وجود ندارد. در حقیقت، ثبات شخصیت، آرامش روحی و امید زن به آینده است که به جامعه توانی بالا می بخشد و زمینه های لازم را برای حرکت او در مسیر درست فراهم می سازد.

خداوند در قرآن کریم، حکم حجاب را به گونه ای صریح و آشکار مطرح کرده و افزون بر ظرافت های ویژه ای که در پوشش زنان باید وجود داشته باشد، دلیل رعایت حجاب را حفاظت از نگاه های ناپاک و حفظ احترام زنان بیان کرده است: «ای پیامبر! به زنان و دخترانت و زنان

مؤمن بگو، پوشش خود را بر خود فرو پوشند. این برای آن است که شناخته شوند و آزار نینند». (نور: ۳۱)

به اعتقاد مفسران، هرگاه خداوند در قرآن درباره حجاب سخن می گوید، برای حرمت و احترام زنان حفظ شود.

پی آمدهای عفت ورزی

عفاف و خویشتن داری در برابر کشش های نفسانی، ویژگی انسانی است که حالتی درونی و نشانه هایی بیرونی دارد که در گفتار و رفتار و پوشش تجلی می یابد.

شهید مطهری درباره مسئله حجاب و عفاف می نویسد: «وقتی زن، پوشیده و سنگین از خانه بیرون می رود و جانب عفت و پاکدامنی را رعایت می کند، افراد فاسد و مزاحم جرئت نمی کنند متعرض شوند.»

ایشان در ذیل آیه ۶۱ سوره نور می نویسد: «می توان از این آیه یک قانون کلی را استنباط کرد و آن، امنیت [است] که از نظر اسلام، هر قدر زن جانب عفاف و ستر و پوشش را مراعات کند، پسندیده تر است.»...

درباره پی آمدهای عفت ورزی به این موارد می توان اشاره کرد:

استحکام خانواده

اگر عفاف و حجاب در جامعه ای رعایت شود، حریم روابط زن و مرد در بیرون از محیط خانه حفظ می شود و خانواده از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود.

آرامش روانی

عفاف، بازدارنده بسیاری از احساسات و هیجان های روحی است. اسلام با تعدیل این احساسات از راه محدود کردن نگاه، خضوع در کلام، پوشش و رعایت عفاف در همه زمینه ها، برای فرد آرامش روحی و روانی به ارمغان می آورد.

سلامت اجتماع

حضور زنان و مردان در جامعه، چنان که هیچ شائبه‌ای به همراه نداشته باشد، آن جامعه را استوار و محکم می‌کند و عفت و ورزی آنان در محیط تحصیل، کار، اداره و بازار، زمینه ساز سلامت، پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد.

حفظ طراوت و زیبایی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حجاب زن برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر است.»

تمرکز حواس

با رعایت عفاف و حجاب، امتیازها، آراستگی‌ها و زیبایی‌های ظاهری، شکلی صحیح می‌یابد و از انحراف فکر و ذهن جلوگیری می‌کند.

بهداشت و سلامت جسمی

عفت و ورزی، زمینه فساد و انحراف را که به رشد و ترویج بسیاری از آلودگی‌های جسمی می‌انجامد، از بین می‌برد.

حجاب و فعالیت‌های اجتماعی دختران و زنان

پوشش و حجاب دختران و زنان، مانع حضور آنها در فعالیت‌های اجتماعی و محصور کردن آنان در خانه نیست. خداوند در قرآن کریم از عفت دختران شعیب در حال چوپانی و آب دادن به گوسفندان در جمع مردان، سخن می‌گوید و عفت و پاکدامنی مریم را در معبدی که همگان؛ چه زن و چه مرد به پرستش می‌آیند، می‌ستاید.

از دیدگاه اسلام، حجاب و پوشش به معنای گوشه‌گیری و انزوا نیست و با حضور اجتماعی دختران و زنان منافات ندارد، چنان که همه زنان نمونه که در قرآن از آنان یاد می‌شود، در جامعه فعال و پویا هستند.

با بروز انقلاب صنعتی و پدید آمدن جوامع شهری و لوازم خاص آنها، «کار زنان» در صدر مسائل اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و حقوقی قرار گرفت. آنچه در این میان کم‌رنگ و حتی به

تدریج، نادیده گرفته شد، «عفت حجاب» در محیط کار زنان بود. به دنبال انقلاب صنعتی و گسترش کارخانجات، سرمایه داران و صاحبان صنایع بر آن شدند تا به گونه ای از نیروی کار زنان - به دلیل ارزان بودن دستمزدها - برای بال برن سود خود استفاده کنند. از این رو، کوشیدند به نام «آزادی» و «حق کار زنان»، با شیوه های گوناگون، زنان را به سوی بازار کار بکشانند.

تا پیش از انقلاب صنعتی، زنان به راحتی می توانستند میان فعالیت های اجتماعی و وظایف خود مانند همسر بودن، مادر بودن و دختر بودن، تعادل ایجاد کنند، ولی امروزه زنان در برقراری این تعادل دچار مشکل شده اند و امروزه، اشتغال زن به معنای باز ماندن از انجام دادن وظایف زنانه اش است. خطرهایی چون فردگرایی، کم رنگ شدن پیوندهای عاطفی و خانوادگی، از هم پاشیدگی خانواده، انحراف های اخلاقی، سوء تربیت فرزندان و مانند آنها از کمترین پی آمدهای کار زنان به سبک و گونه غربی است.

اشتغال و آسیب های موجود برای زنان

اشتغال زنان در اسلام، به عنوان حقی برای آنان، به رسمیت شناخته شده و در کنار آن به جایگاه و شخصیت زنان نیز توجه ای ویژه شده است. این در حالی است که غرب به دلیل نیاز به جسم زنان - نیروی کار ارزان - به آنان توجه دارد. اسلام به اشتغال زنان به عنوان حقی برای آنان می نگرد و زنان می توانند در برخی مشاغل و کارها حضور فعالانه داشته باشند. البته اسلام به برخی مشاغل برای زنان، توجه و تأکید ویژه دارد و دلیل آن، نگرانی دین مبین اسلام درباره به خطر افتادن امنیت اجتماعی زنان و نادیده گرفتن حرمت زنان در برخی مشاغل و ضدیت برخی مشاغل با مصالح و بنیاد خانواده و اجتماع است.

توجه اسلام به استقلال مالی زنان، از جمله نکات جالب توجه است. استقلال مالی زنان با حق کار کردن، رابطه تنگاتنگ دارد؛ زیرا اگر حق کار را در زنان به رسمیت بشناسیم، ولی استقلال مالی را از آنها بگیریم، نتیجه کار زنان از آن خودشان نخواهد بود. اسلام به زن استقلال اقتصادی داد، ولی به قول ویل دورانت، خانه براندازی نکرد. این در حالی است که غرب به ویژه اروپا، به زن استقلال اقتصادی داد و برای وارد کردن او به بازار کار، اساس خانواده ها را متزلزل و زندگی فردی را به جای زندگی خانوادگی ترویج کرد.

از دیگر آسیب های اجتماعی کار زنان، برابر نبودن حق کار زنان و دستمزد آنان با مردان است. زن و مرد در کنار هم یک کار را انجام می دهند، ولی میزان دستمزد آنها متفاوت است. از دیدگاه اسلام، زن یا مرد بودن، معیار پرداخت حقوق نیست، بلکه خود کار و شرایط آن، ملاک میزان حقوق است.

شرایط عمومی حضور زنان در جامعه، از جمله مواردی است که رعایت آن در محیط های کاری الزامی است. از جمله این شرایط عمومی، رعایت حجاب است. دین اسلام بر این باور است که حجاب، نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند، بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می شود.

از دیگر آسیب های محیط کاری، اختلاط و رعایت نکردن حریم هاست که باعث شکستن حصار عفاف و پاکدامنی می شود. شهید مطهری می گوید: «سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله همین بوده - نه حبس و نه اختلاط - زنان از شرکت در مجالس نهی نمی شدند، ولی همواره اصل حریم رعایت می شده است. زنان امروز باید در کنار وظایف اجتماعی، خودشان را موظف به رعایت وظایف دینی نیز نموده و عفت عمومی را حفظ کنند و با توجه به آن عفت عمومی، مشغول انجام کارهای اجتماعی و سیاسی شوند.

از دیگر موارد توجه اسلام به انتخاب مشاغل برای زنان، نهی آنان از انجام دادن کارهای سخت و سنگین است؛ کارهایی که با وضعیت فیزیکی و روحی زنان متناسب نیست و نوعی ستم بر آنان است. در حقیقت، اسلام تجویز کارهای سنگین و طاقت فرسای خارج از توان زنان را نه تنها خدمت به زنان نمی داند، بلکه آن را ستمی نابخشودنی در حق آنان می پندارد. در مقاله نامه های متعدد بین المللی نیز انجام دادن کارهای سخت و زیان آور، برای زنان ممنوع شده است»¹. هیچ زنی در هر سنی که باشد، نباید در کارهای زیر زمینی و معادن به کار گمارده شود.»

در قانون کار ایران هم آمده است: «انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور، حمل بار بیشتر از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای زنان ممنوع است»².

از دیگر مواردی که در انتخاب مشاغل زنان مورد توجه است، ساعت کار است. در علم پزشکی ثابت شده، بیداری های شبانه هر چند خواب در طول روز جبران شود، سبب بروز اختلالاتی در نظام زیستی بدن می شود. استفاده از زنان برای کار کردن در شیفت شب موجب بروز

مشکلات جسمی، روحی، روانی، خانوادگی و عاطفی در آنها می شود. مقاله نامه هایی نیز در همین زمینه تصویب شد که کشورهای صنعتی به بهانه «برابری زن و مرد» با آن به مخالفت پرداختند. در ماده ۷۵ قانون کار، مصوب مجلس شورای اسلامی، کار شب برای زنان کارگر، به استثنای امور بهداشتی، درمانی، فرهنگی و مانند آن ممنوع اعلام شده است.

در یک نگاه کلی، اسلام با کار زن با شرایطی که برای آن مقرر شده است، مخالف نیست، ولی در تعارض میان کار زن و ارزش های مهم و بنیادی تر، دیدگاه اسلام به کار زن متفاوت خواهد بود. اسلام می کوشد ارزش های بنیادین و اساسی زنان را در کنار کار حفظ و حمایت کند. بر اساس باورها و عقاید حاکم بر جامعه ایران، هر حیطة کاری، مناسب حضور زنان نیست. بی شک، دیدگاه های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر ذهن ایرانیان نیز بر خلاف غرب، حضور زنان را در محیط های کاری نامناسب نمی پسندد و با آن مخالفت می کند.

بر اساس پژوهش های متخصصان در مدرسه پزشکی هاروارد در بوستون، زنان بلندپرواز که مشاغلی دشوار دارند، دو برابر بیشتر از دیگر زنان دچار حملات قلبی می شوند. خبرگزاری ایسنا در این باره اعلام کرد: «با اینکه زنان در موقعیت های مختلف، توان سامان دهی و حلای مشکلات و مسائل مختلف را به طور هم زمان دارند، اما قرار گرفتن روزانه در معرض تنش ها و دغدغه های ذهنی و اجتماعی به ویژه در مشاغل پر استرس و تنش زا، به مرور به آرامش و سلامت روانی آنها لطمه وارد می کند»³.

جمهوری اسلامی ایران کارهایی که برای زنان زیان آور است، مانند کار در سیستم های نظامی و ارتشی، معادن، کار در زیر دریاها، جوش دادن دکل ها، کار در کارخانجات مواد شیمیایی، کار در کشتی و دریا، مسافرت های طولانی و حمل و نقل بین جاده ای را جزو مشاغل مکروه می داند⁴.

ورزش و خطرهای آن برای زنان 1

زنان، نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می دهند. از این رو، در برنامه ریزی های گوناگون جامعه باید به نیازهایشان توجه شود. از امور مهم برای زنان، ورزش است. امروزه زنان بسیاری در سطح جهان به ورزش های گوناگون اشتغال دارند و گروهی به صورت حرفه ای و تعدادی نیز آماتورگونه ورزش را پی گیری می کنند.

زنان در جوامع کهن و باستانی، به شدت از ورزش کردن و حتی تماشای مراسم ورزشی منع می شدند. در کتاب زن و ورزش چنین آمده است: «حتی در مراسم و آیین های ویژه مذهبی و اجتماعی که تا پیش از برپایی المپیا در یونان باستان برگزار می شد و بعد از آن در المپیا باستانی که به منظور پرورش جسم و روان نونهالان و جوانان ترتیب یافته بود و هر چهار سال یک بار برگزار می شد، زنان حق ورود و تماشا نداشتند و این ممنوعیت، آن قدر شدت و غلظت داشت که اگر زنی این قاعده و قانون را نادیده می گرفت، محکوم به اعدام می شد.

گروهی از کارشناسان ورزشی، دانشمندان و پژوهشگران با ورزش کردن زنان به شدت مخالف هستند و گروهی نیز در برابر آنها قرار دارند. دکتر سید رضا پاک نژاد درباره آثار منفی ورزش به ویژه ورزش های سنگین و خشن بر زنان می نویسد: «صادقانه باید قبول کنیم، زنان ورزشکار در این مورد مشکلاتی دارند 50 درصد - نیمی - از زنان ورزشکار، در ورزش های سنگین روحیه زنانه خود را از دست می دهند. چون برای رسیدن به مقام قهرمانی بین المللی، متحمل ممارست و تمرین های مداوم مشکل شده اند، خواه ناخواه خشن بار می آیند و به درشتی حرف می زنند. یک زن کوه نورد که دایما عمرش در کوهستان می گذرد، به تدریج، صفات زنانه خود را از دست می دهد و روحیات زنانه را فراموش می کند.»

روزنامه دیلی میروور در انگلستان اعلام کرد: «زنانی که ورزش های سنگین انجام می دهند، به مرور زمان دارای اندام ها و جثه های قوی و درشت، مانند مردان می شوند و زیبایی و ظرافت اندام زنانه را از دست می دهند.

رابرت بولارد، استادیار پزشکی دانشگاه برتیش کلمبیا می گوید: «برخی از بانوان ورزش کار در جریان تمرینات، دچار جراحات هایی شده اند که تا آخر عمر گریبان گیر آنان می باشد. پژوهش ها نشان می دهد بیماری های استخوانی شامل پیچیدگی، شکستگی و کمر درد آسیب های جبران ناپذیری بر زنان وارد می کند.»

بسیاری از کسانی که با ورزش کردن زنان به ویژه ورزش های سنگین مخالفند، با ورود آنان به صحنه های ورزشی به شدت مخالفند. برای مثال، با وجود قدمت هزاران ساله ورزش زورخانه ای در ایران، با وجود تلاش های چندین ساله اخیر هنوز حضور زنان به چشم نمی آید. برخی معتقدند این وضعیت، به دلیل وجود برخی متعصبان در این رشته، به وجود آمده و پایدار مانده است.

نورالله هدایتی، نایب رئیس فدراسیون ورزش های باستانی و کشتی های پهلوانی بر این باور است که: «برداشتن میل و کباده کار زنان نیست.» به اعتقاد وی، اگر زنان اصرار دارند باستانی کار کنند، می توانند با ضرب، چرخ بزنند یا حرکات نرمشی انجام دهند.

دیدگاه سید امیر حسینی، دبیر کل فدراسیون بین المللی ورزش زورخانه ای، متفاوت است. وی با تقسیم حرکات ورزش باستانی به دو دسته با وسیله و بدون وسیله، می گوید: «در بخش بدون وسیله مشکلی وجود ندارد و بی شک، کسی نمی تواند ادعا کند زنان نمی توانند نرمش کنند یا پا بزنند و بچرخند. در قسمت حرکات با وسیله هم، وقتی برای کودکان و نونهالان وسایل سبک طراحی شده، چطور می توان ادعا کرد برای زنان، وسیله مناسب پیدا نمی شود2.»

از دیگر ورزش هایی که برای زنان ایران در سال های اخیر با مخالفت روبه رو بوده، اجازه دوچرخه سواری در معابر عمومی بوده است که به دلیل وجود برخی موانع پوشش و رعایت نکردن حجاب کامل، مخالفت هایی را در پی داشته است. برای مثال، امام جمعه مشهد در نماز جمعه این شهر گفت: «کدام مرجع تقلید، دوچرخه سواری زن و دختر را مجاز دانسته؟ این کار یک امر خلاف شرع و حرام است.

درباره ورود زنان به ورزشگاه ها نیز مباحث طولانی وجود دارد که رعایت نکردن پوشش مناسب، نبود فضایی هم شأن حضور زنان و احتمال ضربه خوردن به عفت عمومی جامعه و عفت زنان، از دلایلی است که قانون گذار به نرفتن زنان به محیط ورزشگاه ها حکم کرده است.

مقایسه زن و مرد با یکدیگر در انجام فعالیت های گوناگون، ستم بزرگی به زنان است. تفاوت های فراوانی در آفرینش زن و مرد وجود دارد که بودن این تفاوت ها، موجب برتری یکی بر دیگری نیست. کمال مرد در این است که ویژگی های مردانه داشته باشد و کمال زن نیز در این است که به ویژگی های زنانه آراسته باشد.

به دلیل اختلاف های جسمانی زن و مرد، ورزش، آثار متفاوتی برای هر یک از آنها دارد. بنابراین، بهتر است زنان از پرداختن به ورزش های سخت و خشن بپرهیزند. از دیدگاه اسلام، پرداختن به امر ورزش تا آنجا که برای زنان زیان نداشته باشد و مستلزم انجام فعلی حرام نباشد، جایز است. دین مبین اسلام، پرداختن به ورزش هایی را که موجب حفظ سلامت، زیبایی و شادابی زن باشد و به جسم و روح او آسیب نزنند، به زنان توصیه می کند.

واکسن های ایمنی دختران از آسیب های اجتماعی

با توجه به شرایط کنونی جامعه، یافتن واکسن یا پادزهر برای جلوگیری از آسیب های موجود در اجتماع، امری ضروری است. به جرئت می توان گفت بهترین و سریع ترین واکسن ها را خود دختران به وجود می آورند. رعایت برخی مسائل ساده می تواند در سلامت دختران و جامعه ای که در آن زندگی می کنند، مفید و مؤثر باشد. برخورداری از انواع عفت ها، از راهکارهای مناسب برای ایمنی دختران از آسیب های اجتماعی است.

عفت در تفکر

گران بهاترین سرمایه ای که خداوند به انسان هدیه کرده، گوهر فروزان تفکر و تعقل است. تمامی اعمال و رفتار انسان از فکر سرچشمه می گیرد. بنابراین، می توان گفت بالاترین مرحله عفت ورزی این است که انسان به گناه نیندیشد و اموال قلبی و اندیشه خود را از گناه محفوظ دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «گاهی مؤمن به چیزی می اندیشد و همان سبب محروم شدن او از روزی می گردد1.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است1.» عفت در نگاه به نامحرم، از آموزه های صریح قرآن کریم است. نگاه های آسوده، زمینه ساز فحشا و آلودگی های اجتماعی است. حضرت عیسی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «به آنچه برای حلال نیست، خیره منگر؛ زیرا اگر چشمت را حفظ کنی، مرتکب فحشا نمی شود2.»

عفت در گفتار

یکی از جنبه های عفت، در گفتار ظاهر می شود. خداوند در قرآن کریم خطاب به همسران پیامبر می فرماید: «پس به ناز سخن نگویند تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتاری شایسته بگوید!» (احزاب: ۲۲)

اگر چه این آیه شریفه خطاب به همسران پیامبر است، بدون شک این حکم، تمامی زنان را در بر می گیرد. بنابراین، زنان نباید با نامحرم به گونه ای هوس انگیز سخن بگویند. هرگونه سخن گفتن به شکل تحریک آمیز، زمینه ساز انحراف است که باید از آن پرهیز شود. البته مردان نیز به رعایت عفت در گفتار سفارش شده اند.

عفت در رفتار

لازمه حضور اجتماعی زنان و مشارکت آنها در عرصه های گوناگون اجتماعی، ارتباط و معاشرت با مردان است. معاشرت سالم و رعایت عفت در رفتار و روابط اجتماعی هم بر زنان و هم بر مردان واجب است 1.

از شرایط مهم و اساسی در فعالیت اجتماعی زنان، رعایت مرزبندی و حفظ حریم هاست. اختلاط و روابط ناسالم زن و مرد، عاملی برای گسترش فساد و انحراف در جامعه است و اسلام نیز بر حفظ روابط تأکید بسیاری کرده است. از این رو، زن و مرد از حضور در مکانی خلوت و خودنمایی و جلوه گری در برابر چشمان نامحرم نهی شده اند.

عفت در پوشش

عفت در پوشش؛ یعنی انتخاب لباسی که با هویت دینی و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و همچنین شئون انسانی فرد سازگار باشد. بی شک، حجاب و پوشش برای زنان، از احکام مسلم و ضروری دین اسلام است و قرآن کریم، هدف از حجاب و پوشش را دست یابی به تزکیه نفس، پاک دامنی و پیش گیری از فساد می داند.

راهکارهای اجرایی عفاف

هر چه بر میزان پیشرفت و توسعه علمی بشر افزوده شود، نیاز او به اخلاق، معنویت و ارزش های انسانی بیشتر می شود. رعایت برخی مسائل و سرمایه گذاری روحی برای دست یابی به

معنویت‌ها موجب می‌شود جامعه‌ای با هویتی بالنده داشته باشیم. از جمله راهکارهای اجرایی عفاف عبارت است از:

الف) تقویت ایمان

از راه‌های مبارزه با فساد و گناه، تقویت ایمان است. تلاش برای بیداری وجدان‌ها، توجه کردن به خدا و حساب رسی روز جزا و مسئله عمل و عکس‌العمل در نظام جهان سبب تقویت ایمان در انسان می‌شود. ایمان، بازدارنده از گناه و عامل روشن بینی وجودی است.

ب) دادن آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی

کوشش برای هشیار کردن بی‌خبران درباره زندگی و ضرورت‌های آن، بیان مفاسد و بی‌بندوباری‌ها و بیان پی‌آمدهای بد بی‌عفتی و بی‌حجابی در جامعه، از راه‌های اصلاح جامعه است.

یکی از جاسوسان انگلیسی در خاطرات خود می‌نویسد: «در مسئله بی‌حجابی زنان، باید کوشش فوق‌العاده‌ای به عمل آوریم، تا زنان مسلمان، به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند... لذا لازم است زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنها تقلید کنند.»

ج) معرفی الگوی مناسب به جوانان

جوانان که آینده‌ساز فردای جامعه هستند، به مدل و الگو نیازمندند. آنها باید بدانند بر اساس چه الگو و روشی رفتار کنند و چه کسانی را به عنوان الگو و رهبر انتخاب کنند. هر چه الگوهای معرفی شده به جوانان کامل‌تر، سالم‌تر و جامع‌تر باشد، امکان رشد و موفقیت برای آنان بیشتر است. خداوند در قرآن کریم به معرفی انسان‌های نمونه اعم از زن و مرد پرداخته و مؤمنان را به انتخاب راه و روش آنان رهنمون ساخته است.

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، حضرت یوسف علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام از نمونه‌هایی هستند که خداوند در قرآن به عنوان الگوهای عفاف معرفی کرده است.

د) به کارگیری سیاست هایی به منظور ایجاد محیط های امن برای بانوان

اگر محیط های شغلی زنان امن باشد و ارتباط آنها در محیط کار با نامحرم محدود شود، فشاری که به دلیل حفظ حجاب بر عده ای وارد می شود، کاهش می یابد.

ه) ایجاد مراکز تفریحی - ورزشی و هنری

این مراکز می تواند افزون بر ایجاد محیط های سالم برای گذراندن اوقات فراغت جوانان، از جاذبه های خوبی نیز برخوردار باشد. وجود این مراکز، از حضور بی دلیل دختران در خیابان ها در اوقات فراغت، جلوگیری می کند.

و) نظارت و کنترل بر واردات محصولات فرهنگی (ز) شناسایی، تعزیر، تهدید و برخورد با مفاسد اجتماعی با تدبیر دستگاه قضایی و نیروهای انتظامی

امروزه زنان و دختران، حضور فعالانه و چشم گیری در جامعه دارند و این از نیاز زمان است. مهم تر اینکه اسلام نیز بر حضور زن در جامعه تأکید دارد، چنان که در قرآن می خوانیم تمام بانوان برجسته، در جامعه زمان خود حضوری فعال داشته اند. آنچه اسلام بر آن تأکید کرده، حضوری پاک و شایسته است؛ حضوری عفیفانه که کوچک ترین خللی بر شخصیت و ارزش های والای زنان وارد نسازد.

رعایت عفت، سفارش مؤکد اسلام است و از آنجا که دختران و زنان از ویژگی های خاص و لطیف آفرینش برخوردارند، دین مبین اسلام، وظیفه حفظ این گوهر زیبا را بر عهده خود آنها قرار داده است. رسیدن به جامعه ای سالم و داشتن عفت و پوشش، لازم و ملزوم یکدیگرند و زنان و دختران ما می توانند با داشتن درونی پاک و زیبا، ظاهری زیننده و مناسب برای خود بسازند.

منابع

- «پوشش و ریشه های تاریخی»، مجله پیام زن.
- پیشوایی، فریده و مریم رضایی، حجاب و عفاف در سیما، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.
- حائری شیرازی، تمثیلات.
- طلوعی، محمود، زنان بر سریر قدرت، اسپرک، ۱۳۶۹.
- عامری، حمیده، گستره عفاف به گستردگی زندگی، کتاب زنان، ۱۳۸۰.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید.
- محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه جوان، قم، الحدیث، ۱۳۸۵.
- منفرد، زینب، دختران ریحان اند، قم، احقاف، ۱۳۸۸.
- وجدی، فرید، دائرة المعارف.